

بررسی کم توجهی به درس در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی

ستاره پروین

کارشناسی رشته زیست شناسی کد ملی ۳۳۲۰۰۳۰۱۳۲

چکیده

در تمام جوامع افرادی هستند که در زمان ارزشیابی و یا هر کار دیگری دچار کم توجهی به درس می شوند. یعنی حالتی مانند لرزش، رنگ پریدگی، تند شدن ضربان قلب و... در آنها بوجود می آید. این حالت ممکن است معلول ترس از نتیجه کار باشد. اما به هر حال نگرش مردم نسبت به چنین افرادی متأثر از فرهنگ جامعه ای است که فرد در آن زندگی می کن. نگرش مردم در مورد کم توجهی به درس و علائم آن نشان از میزان آگاهی و شناخت جامعه دارد. اما جدا از رویارویی فرد و اجتماعی کم توجهی به درس از هر نوع و به هر علتی که باشد پدیده ای است عارضی و موقتی اگر مطالعه وسیعی در این زمینه داشته باشیم باور خواهیم داشت که درصد زیادی از جمعیت در معرض کم توجهی به درس، مخصوصاً کم توجهی به درس در هنگام آزمون قرار می گیرند (رحیمی نژاد ۱۳۶۹).

واژگان کلیدی: کم توجهی، درس، دانش آموز، ابتدایی، مدرسه

مقدمه

در کشورهای پیشرفته دست آوردهای علمی تا حد زیادی منجر به شناخت علل و انواع کم توجهی به درس شده است تا آنجا که امروزه به علل بسیاری از کم توجهی به درس پی برده شده و سعی می کنند تا کم توجهی به درس را نیز مورد مطالعه قرار دهند تحقیقاتی را در این زمینه به انجام برسانند. پس برای جلوگیری از این نوع کم توجهی به درس خدمات گوناگون نیاز است که محدود و منحصر به علم خاصی نمی باشد. در گذشته با توجه به اینکه معلم به عنوان فردی خشن و قدرتمند برای دانش آموزان جلوه داده می شد و همواره دانش آموزان را مورد تنبیه های شدید قرار می داد. لذا یک نوع کم توجهی به درس همیشگی وجود داشت به طوری که گاهی اوقات دانش آموزان از کلاس فرار می کردند و یا تمایلی برای تحصیل نداشتند. چنانکه ملاحظه می کنیم تعداد زیادی از افرادی که در گذشته می زیسته اند شاهد تلاشهای متعددی (اما به طور مختصر ند ریشه ای) هستیم و نیاز است تا برای آینده تدابیری اندیشیده شود (برزگر ۱۳۷۱).

علیرغم اهمیت مسأله و تأثیر آن در سرنوشت افراد متأسفانه در این خصوص تلاشهای وسیعی صورت نگرفته است و چون در زمینه کم توجهی به درس رشته خاصی در دانشگاه نبوده هیچگاه از اهمیتی که می باید برخوردار نبوده است. امید می رود که این نقایص بتدریج رفع شود و جوامع پیشرفته چنانچه باید به اهمیت و لزوم توجه به کم توجهی به درس پی ببرند و تأثیر عمیق این مهم را امر یادگیری و آموزش را بشناسند.

بیان مسأله:

پیشرفت تحصیل و چه عواملی در آن تأثیر دارد آیا کم توجهی به درس در آن نقش دارد؟ کم توجهی به درس حالتی است بسیار گونه که با احساس بیم و نگرانی همراه بوده است این حالت با نشانه های جسمی حاکی از وجود دستگاه عصبی اتونومیک، پیش فعال است (کاپلان، نصرالله پورافکاری ص ۱۶۹).

در مطالب فوق گفته شد که کم توجهی به درس با احساس بیم همراه است. اما باید قبول داشته باشیم که این بیم در معنای خاص آن نیست زیرا بسیاری از ترمها را نمی توان برطرف کرد. کم توجهی به درس پاسخی است و که در بیشتر اوقات غیر ارادی بوده و بی اختیار و تحت شرایط متعددی در فرد ایجاد می شود. مثلاً فردی در راه رسیدن بر یک هدف خوشایند سعی زیادی نموده است اما در لحظه رسیدن به آن هدف احساس می کند که توان رسیدن به آن را ندارد چه بسا فرد احساس می کند که توان رسیدن به آن را ندارد چه بسا فرد به طور واقعی لیاقت و حتی ارتقاء و دستیابی به آن هدف را به طور کامل داشته باشد اما همین کم توجهی به درس که گاهی ناشی از عدم تجربه فرد نسبت به موقعیتی است باعث می شود تا فرد نتواند بر اساس سعی و تلاش که قبلاً نموده به هدف مورد نظر برسد. همچنین گفته شد که کم توجهی به درس حالتی بسیار گونه است بنابراین کم توجهی به درس را نمی توان یک بیماری به حساب آورد بلکه مانند بیماری است. از آن جهت که اگر فرد در برابر موقعیتی کم توجهی به درس برانگیز قرار نگیرد هیچگاه دچار چنین حالتی نمی گردد و از طرف دیگر این حالت در اکثر موارد بدون استفاده از دارو و طی گذشت زمان برطرف می شود بنابراین بیماری نیست. حال آنکه از آنجا که هدف در این پژوهش بررسی کم توجهی به درس پیش از امتحان و تأثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد سوالات ذیل مطرح است:

۱. چه ارتباطی بین کم توجهی به درس و پیشرفت تحصیلی وجود دارد؟
 ۲. آیا کسانی که دچار کم توجهی به درس پیش از امتحان هستند نمرات آنها کمتر از سایرین است؟
- اهمیت و ضرورت تحقیق:

از آنجا که کم توجهی به درس به معنی اعم و کم توجهی به درس به معنی اخص آن یک شکل در تمامی جوامع می باشد لذا پرداختن به آن دارای اهمیت جهانی می باشد. تقریباً کم توجهی به درس در هر فردی در شرایط خاص ایجاد میشود. کم توجهی به درس باعث می شود در تمامی جوامع، افراد نتیجه کوشش خود را نگیرد. همچنین قبل از امتحان این عامل باعث میشود تا فرد نتواند آنچه را که در واقع جهت رسیدن به آن آماده شده را بدست بیاورد و همین شکل سبب ایجاد در خوردگی شده و حتی فرد را از یادگیری و جستجو علم باز می دارد.

برای آنکه بتوان عامل کم توجهی به درس پیش از امتحان را حذف و از سر راه برداشت نیاز است یک کوشش فراگیر و جهانی بعمل آید تا افراد بتوانند بدون دغدغه و ناراحتی آنچه را که یاد گرفته در عرصه آزمون بگذارند و از آن سربلند در بیایند و این ممکن نیست مگر با شناخت علتهای کم توجهی به درس و رفع زمینه های آن بنابراین پرداختن به عامل کم توجهی به درس و سعی در برطرف نمودن این مشکل یک امر جهانی است. بارها شاهد بوده ایم که تعداد کثیری از دانش آموزان به دلایل مبهمی ترک تحصیل کرده و یا مردود می شوند. وقتی از این افراد سوال می شود که دلیل عدم موفقیت خود را بیان کنند اظهار می کنند که از درس یا فلان دبیر ناراضی بوده و ترک تحصیل کرده یا اینکه ما درس را زیاد خوانده ایم ولی قبول نشده ایم. حال بار دیگر به موضوع بنگریم خواهیم دید که این مورد برمی گردد به اضطرابی که به علتهای مختلف در فرد ایجاد می شود و مانع موفقیت وی گردیده است (فصلنامه بهداشت و روان بهار ۱۳۸۲).

اهداف تحقیق:

هدف کلی:

بررسی نقش کم توجهی به درس در روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و اینکه آیا در روند پیشرفت تحصیلی موثر است؟

اهداف جزئی عبارتند از:

۱. بررسی میزان کم توجهی به درس ناشی از امتحانات با پیشرفت های تحصیلی دانش آموزان در دو جنس دختر و پسر

۲. مقایسه کم توجهی به درس دانش آموزان دختر و پسر

۳. مقایسه دانش آموزان در رشته های نظری.

تعریف متغیرها:

۱. کم توجهی به درس:

الف) تعریف مفهومی:

کم توجهی به درس عبارتست است از حالت عاطفی نامطلوبی که با تغییرات ما یکر-فیزیولوژیک در پاسخ به یک تعارض درون - روانی همراه است و برخلاف ترس غیر واقعی است (بهرامی ۱۳۷۰).

ب) تعریف عملیاتی:

در این پژوهش نمره ای است که آزمودنی در خرده مقیاس کم توجهی به درس کتل کسب می کند.

۲. پیشرفت تحصیلی:

الف) تعریف مفهومی:

اگر دانش آموزان در پایه ای که درس می خوانند موفق شوند و بتوانند به پایه ای بالاتر ارتقاء کنند، اصطلاحاً می گوئیم که پیشرفت تحصیلی نمرده اند.

ب) تعریف عملیاتی:

در این پژوهش کسب نمره بالاتر با استفاده از قیاس معدل تحصیلی.

کم توجهی به درس:

واژه ترس و کم توجهی به درس اغلب مترادف هم بکار می روند، واکنشهای روان تنی نسبت به ترس و کم توجهی به درس بسیار شبیه هستند. هر دو واکنش مستلزم فعالیت دستگاه عصبی خود مختار بویژه بخش سمپاتیک است که بر فعالیت دستگاه معدی و روده ای؛ افزایش ترشح آدرنالین، تسریع ضربان قلب و غیره تأثیر می گذارد با این حال ترس واکنشی است نسبت به یک خطر واقعی خاص مانند سگ هار، حال آنکه کم توجهی به درس عموماً بر احساس مبهمی از تهدید قریب قریب الوقوع دلالت دارد. کم توجهی به درس واکنش به یک تهدید خاص نبوده و یک حالت عمومی و با دوام روانی است. کم توجهی به درس به شیء خاصی معطوف نمی شود، کم توجهی به درس بیانگر ضعف همه جانبه، بیهودگی و در ماندگی است

کم توجهی به درس معادلی برای فقدان عزت نفس است. ممکن است انتظار تهدید قریب الوقوع، باعث دوری گزیدن فرد از فعالیتهای عادی خویش شود. کم توجهی به درس کودک مضطرب، معلول تهدید خارجی نیست بلکه فشار درونی دارد. حالات کم توجهی به درس می توان از عناصر بیوشیمیایی بدن انسان، خصایص عمیق شخصیتی، محیطهای روانی - اجتماعی یا ترکیبی از عوامل روانی و جسمی رشد بگیرد (ولمان الف، ب، ۱۹۸۷)

متداولترین نشانه روانی کم توجهی به درس بر انگیزختگی دستگاه عصبی محیطی است. علایم کم توجهی به درس عبارتند از تعریق، تپش قلب، تنش در عضلات اسکلتی، بعضی اوقات حالات اضطرابی به لرز، از دست دادن اشتها و افزایش فشار خون منجر می شود. علایم کم توجهی به درس در همه افراد یکسان نیست. (بنجامین و لومن ص ۲۴۱؛ ۱۹۷۸)

عوامل مهیا کننده کم توجهی به درس:

کم توجهی به درس و جدائی در کودک و فقدان سریع و غیر متقربه یک موضوع با ارزش، ظاهراً شرایط رشد و پیشرفت این اختلال را فراهم می سازد. بطور کلی می توان دو نوع روبنائی یا مهرک را در این ارتباط بیان نمود:

اولاً: تغییرات ناگهانی در زندگی و شرایط آن، مثلاً فردی که ترفیع شغل نیافته و یا از ازدواج نکرده و به ظاهر فردی سالم بنماید ولی هنگامی که چنین تغییراتی در زندگی او پیش می آید احساس ترس و ناامنی و خطر می کند. روبروشدن با شرایط جدید ممکن است یادآور خاطرات نامطلوب دوران کودکی باشد. مثلاً ازدواج او را به یاد کشمکشهای شدید اولیاء بیندازد.

دوم اینکه: عامل روبنائی ممکن است عوامل شخص مانند بیماری جسمی، محرومیت های بدنی، شکستهای واقعی، مرگ یکی از نزدیکان و سایر محرکهای فشار زا باشد. بهرانهای ناشی از جنگ و زلزله و سیل نمونه هایی خوب از شرایط است (شاملو ۱۳۷۰)

علل کم توجهی به درس کم توجهی به درس دانش آموزان و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی:

۱. علل بدنی

۲. مشکلات ناشی از خانواده

۳. مشکلات ناشی از مدرسه

فقر مالی بطور غیر مستقیم روی میزان پیشرفت تحصیلی موثر است. محروم ماندن از غذای سالم، نداشتن استراحت لازم، فقر فرهنگی، بی توجهی پدران و مادران به استعداد فرزندان بتدریج باعث می شود دانش آموزان به عقب ماندگی درس گرفتار شوند.

مشکلات ناشی از مدرسه: گاهی وقتها علت عقب ماندگی درسی دانش آموزان باید در مدرسه جستجو کرد از قبیل: بی توجهی از جانب معلم، غیبت از مدرسه، تعویض معلمان، چگونگی اراده مدرسه (ریاحی ۱۳۷۲)

رابطه بین کم توجهی به درس و پیشرفت تحصیلی:

وجود کم توجهی به درس در حد متوسط انگیزه ای موثر برای کوشش و فعالیت است. کم توجهی به درس در حد بالا نیروی تمرکز و حافظه دانش آموزان را مختل می کند. وجود ترس یا کم توجهی به درس ممکن است مانع یادگیری و باعث فراموشی می شود. چنانچه کم توجهی به درس از میزان یعنی تجاوز کند جنبه تسهیل کنندگی خود را در یادگیری از دست خواهد داد. یکی از علل عدم موفقیت افراد آن است که باید از قدرت انتخاب استفاده کنند که هر بار دچار خطاهایی می شوند بر میزان کم توجهی به درس آنها افزوده می گردد و این در یادگیری تداخل ایجاد می کند و کم توجهی به درس خیلی پایین مهم باعث می شود که فرد تلاش و کوشش لازم را نداشته باشد و در نتیجه با موفقیت همراه نخواهد بود (سیف ۱۳۷۹)

(افرادی که درباره برهی از امور کم توجهی به درس نشان می دهند اگر در مورد آنها سکوت اختیار شود ممکن است کم توجهی به درس سبب شود که کار را خیلی خوب انجام دهند. اما آنهايي که در کارها دلوایسی یا هیچ گونه اضطرابی ندارند، اگه هنگام آموختن راهنمایی شوند و به آنان تذکرات اصطلاحی داده شود بهتر می آموزد و پیشرفت می کنند (پارسا ۱۳۷۹)

رفتارهای بازتابی معمولاً با حالاتی مانند چنگ زدن، خشک شدن و وقفه همراهند، این الگوها توسط کم توجهی به درس بر انگیزخته نمی شوند و در حقیق ممکن است زمانی که کم توجهی به درس پایین است نیز فعال شوند. سیستم کاهنده کم

توجهی به درس به منظور انجام واکنش آهسته تر و فراهم سازی زمینه برای پردازش دقیق تر اصطلاحات و انتخاب راهبرد طراحی شده است. فعالیت حرکتی این سیستم اساساً ارادی است یعنی توسط احساس کم توجهی به درس تحریک و تشدید شود (ترجمه عبدالرسول پاسلاری ۱۳۸۳)

کم توجهی به درس امتحان:

کم توجهی به درس امتحان را می توان نمونه ای از فرایندی به حساب آورد که شامل پیش بینی مواجهه با یک موقعیت ارزیابی کننده و نگرانی هایی که توانایی روبه رو شدن با تهدید را مدنظر قرار می دهند و فعالیت و دفاعهای ابتدایی در برابر تهدیدات است. علاوه بر ملاحظه شکست در امتحان و پیامد های آن، متمرکز بر روی جنبه های از عملکرد که مورد ارزیابی قرار می گیرند نیز بر اعتماد بر نفس شخص تأثیر می گذارد.

در حقیقت دانش آموز ممکن است بطور جدی از خودش بپرسد که چه چیزی یاد گرفته و توانایی او جهت احاطه بر موضوعات لازم برای امتحان چقدر است. ظهور چنین سوالاتی باعث تردید در مورد موقعیت امتحان می گردد. هنگامی که تهدید عملکرد ضعیف افزایش می یابد. اضطرابش ممکن است او را به سمت تلاش بیشتر جهت احاطه بر موضوعات سوق دهد. هنگامی که مشغول مطالعه است هر نوع مشکل، تعلل یا مانع تبدیل به یک تهدید می شود و هشدارهایی از این قبیل را فرا می خواند: «تو هرگز نیم توانی در وقت باقی مانده خودت را آماده کنی» حال فرض می کنیم روز امتحان فرا رسیده و آسیب پذیری بر شخص مسلط شده است. دانش آموز به خاطر ضعف هایش و به دلیل اینکه ممکن است سوالات امتحان از مطالبی که توجهی به آنها نکرده است بیاید نگران می شود (وقتی به سوالات نگاه می کند امید شناختی او باعث می شود که خواسته هایش را بزرگ و توانمندیهایش را ناچیز بشمارد پس اگر سوالات واقعاً مشکل باشد ممکن است تبدیل به یک تهدید شود» شاید از عهده امتحان بر نیایم «ممکن است امتحان را خراب کنم»

روشهای مبارزه با کم توجهی به درس:

برخی از روشها و توصیه های کاربردی جهت کاهش کم توجهی به درس امتحان عبارتند از:

۱. درسهایشان را در طول سال تحصیلی مطالعه کنند تا مجبور نشوند همه مطالب را در شب امتحان مطالعه کنند و اضطرابشان افزایش یابد.
۲. توجه به این نکته که هدف امتحان تنها نمره نیست و امتحان وسیله ای جهت ارزیابی خود و تعیین نقاط قوت و ضعف می باشد.
۳. از درگیری های داخلی و در محیط خانه در ایام امتحانات بپرهیزید.
۴. مطالعه را از چند دقیقه قبل از امتحان قطع کنید.
۵. خودتان را با دیگران مقایسه نکنید و از رقابتهای غیر منطقی بپرهیزید.
۶. قبل از امتحان چند بار خودتان را به صورت آزمایشی ارزیابی کنید.
۷. زودتر از وقت تعیین شده در محوطه برای امتحان حاضر باشید.

پیشینه عملی در خارج از ایران:

در سال ۱۹۰۸ هیل متخصص آمریکایی در یک مطالعه طولانی ۷۱۳ کودک دبستانی در آمریکا را در مدت ۴ سال مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که کودکانی که کم توجهی به درس زیادی داشتند نسبت به آنهایی که کم توجهی به درس کمی داشتند نمرات کمتری گرفته اند. تفاوت بین کودکانی که کم توجهی به درس امتحاندر آنها بالا بوده و آنهایی که کم توجهی به درس کمی داشتند با بالا رفتن سن کودک محسوس تر شد این مطلب نشان دهنده این است که سن با کم توجهی به درس رابطه دارد هر چه سن بالاتر باشد کم توجهی به درس کمتر است (یاسایی ۱۳۶۸)

نیلسن و ویلیامز (۱۹۸۰) نشان دادند که کم توجهی به درس شایع ترین مشکلی است که در بین افراد دارای مسائل روان شناختی وجود دارد. آنان نشان دادند که در بین بیمارانی که بدلیل شکایات بدنی به پزشک مراجعه می کنند دست کم ۱۸ درصد از آنها کم توجهی به درس نیز دارند. در بررسی فریجز و دیگران (۱۹۸۱) در لوس آنجلس بیشتر از ۱۹ درصد از

بزرگسالان در زمره افراد مضطرب قرار گرفتند در این عده تعداد زنان مضطرب دو برابر مردان مضطرب بود و عده افراد مضطرب که از لحاظ اقتصادی در پایین ترین سطح بودند سه برابر کسانی بودند که در بالاترین سطح اقتصادی قرار داشتند.

تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور:

در پژوهشهای جهانی و همکاران (۱۳۷۵) به عنوان بررسی شیوع کم توجهی به درس آشکار و پنهان و عوامل موثر آن در دانش آموزان ابتدایی ی قاسم آباد اسلامشهر انجام شد کم توجهی به درس به عنوان شایع ترین اختلال روانی موجود و عامل مهمی در بروز ناسازگارهای اجتماعی و اختلال در یادگیری و سلامت روانی مورد مطالعه قرار گرفت و شیوع کم توجهی به درس آشکار و پنهان و عوامل موثر بر تأثیرات کم توجهی به درس بر وضعیت تحصیلی در ابتدایی های روزانه دولتی قاسم آباد اسلامشهر بررسی گردید برای تعیین شیوع کم توجهی به درس از آزمون هنجاریابی شده اشبیل بر گرا استفاده شد. در جمعیت مورد مطالعه ۱۵٪ کم توجهی به درس آشکار و ۲۰٪ کم توجهی به درس پنهان وجود داشت. ارتباط معنی داری بین کم توجهی به درس آشکار و موارد ذیل بدست آمد:

تحصیلات پدر (P=۰۰۶) فوت مادر (P=۰۰۱) بیماری فردی (P=۰۰۴) نماز خواندن (P=۰۰۳) بیماری در خانواده (P=۰۰۱) اشتغال مادران در خارج از خانه (P=۰۰۲) در پژوهش سهرابی (۱۳۶۹) به عنوان بررسی اختلالات رفتاری نوجوانان در مدارس راهنمایی و متوسطه شهر تهران انجام شد ۳۴۰ تن از دانش آموزان پسر و دختر در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه آزمون شدند نتایج تحقیق نشان می دهد که کم توجهی به درس و افسردگی در بین نوجوانان شیوع بیشتری دارد و رفتار ضد اجتماعی کمترین شیوع را دارد. پسران نسبت به دختران اختلالات بیشتری را نشان داده اند و اختلالات رفتاری در سنین پایین شیوع بیشتری دارد. بچه های اول در معرض آسیب بیشتری هستند. در پژوهش حاتمی (۱۳۶۹) به عنوان بررسی علل کم توجهی به درس و شیوع آن در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر مشهد انجام گرفت تعداد ۲۰۰ نفر از دانش آموزان بطور تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه آزمون شدند. نتایج تحقیق نشان داد که شیوع کم توجهی به درس در بین دانش آموزان دختر حدود ۲۰٪ و در بین دانش آموزان پسر حدود ۱۵٪ می باشد.

نوع تحقیق:

تحقیق مورد نظر از نظر هدف تحقیقی کاربردی است که برای یافتن راه حل مشکلات با ماهیت عملی اجرا می شود. این تحقیقات کاربردی بر حسب منابع تولید کننده اطلاعات مورد نیاز به سه گروه عمده تقسیم می شوند.

- (۱) تحقیقات کتابخانه ای
- (۲) تحقیقات موردی
- (۳) تحقیقات آماری

نتیجه گیری:

در این مورد از تحقیق آماری استفاده می شود که بهترین منابع اطلاعاتی، مجموعه ای از افراد، اشیاء و غیره است که داری بعضی خصوصیات مشترک می باشد (رفعتی، شالدمی، ۱۳۸۳).

تحقیق مورد نظر از نظر روش از نوع همبستگی است. همبستگی رابطه بین دو متغیر را در یک جامعه توصیف می کند، همبستگی را می توان برای دو گروه مختلف که بر اساس یک منطق جفت یا هم تراز شده اند، در یک متغیر محاسبه کرد. هنگامی که افزایش در یک متغیر همراه با افزایش در دیگری است، همبستگی بین متغیر مستقیم و مثبت است. چنانچه افزایش در یک متغیر با کاهش در دیگری است همبستگی بین دو متغیر معکوس است (دلآوری، ۱۳۵۸).

فهرست منابع مورد استفاده :

۱. عظیمی ، دکتر سیروس ، اصول روانشناسی عمومی ، انتشارات صفار ، تهران ، ۱۳۷۳
۲. پارسا ، محمد ، روانشناسی یادگیری ، انتشارات پیام نور ، تهران ، ۱۳۷۹
۳. سیف ، علی اکبر ، روان شناسی عمومی ، انتشارات پیام نور ، تهران ، ۱۳۷۹
۴. ترجمه پاسالاری بهبهانی ، مدل شناختی کم توجهی به درس ، ۱۳۸۳ ، تهران ، دانش پژوهان جوان
۵. ترجمه عظیمی ، دکتر سیروس ، اختلالات اضطرابی ، انتشارات رشد ، تهران ، ۱۳۸۲
۶. آزاد ، حسین ، آسیب شناسی روانی ۱ ، انتشارات پیام نور ، تهران ۱۳۸۰
۷. پاشا شریفی ، حسن ، روانشناسی هوش و سنجش آن ، انتشارات پیام نور ، تهران ۱۳۷۹